

بررسی تاثیر اشتغال مادران بر عملکرد رفتاری و آموزشی فرزندان

آسیه آشنایی رودی

کارشناس ارشد جغرافیا و دبیر آموزش و پرورش شهر خواف

Ashenaiee@gmail.com

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی ارتباط اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان خواف به انجام رسیده است. جامعه آماری کلیه مادران و دانش آموزان مقطع ابتدایی در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهرستان خواف می باشد که حدود ۶۰۰ نفر بوده و حجم نمونه ۲۳۵ نفر از مادران به همراه دانش آموزان مقطع ابتدایی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای انتخاب شدند. گردآوری داده‌ها با استفاده از پرسشنامه اشتغال اسمیت و کندال ۱۹۶۹ و عملکرد رفتاری و آموزشی کلارک و همکاران (۱۹۵۳) صورت گرفت. در این پژوهش پایایی پرسشنامه اشتغال مادران با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۱، عملکرد رفتاری و آموزشی ۰/۶۹ به دست آمد. روایی پرسشنامه‌ها از طریق تحلیل مؤلفه های اصلی بررسی شد. از آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده، بین اشتغال مادران و مؤلفه های آن با عملکرد رفتاری و آموزشی در قالب‌های اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی، روابط خانوادگی، روابط اجتماعی و روابط مدرسه ای رابطه معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: اشتغال مادران، دانش آموزان، عملکرد رفتاری و آموزشی.

مقدمه

نقش بسیار مهم خانواده در تربیت فرزندان بر کسی پوشیده نیست. این کانون مقدس "خانواده" است که اعضای جامعه را می‌پروراند و تحویل می‌دهد. فرزندان قبل از سنین مدرسه در خانواده به سر می‌برند آن‌ها حتی در سنین مدرسه نیز به جز حدود شش ساعت در هر شبانه‌روز، بقیه وقت خود را در خانه می‌گذرانند و از همه جوانب خانواده تأثیر می‌پذیرند. در جوامع پیشرفته کنونی، خانواده مسائل و مشکلات گوناگونی دارد. در صورتی که هر یک از این مشکلات آگاهانه حل نشود، می‌تواند خانواده را از حالت عادی خارج کرده و مشکل‌آفرین سازد. برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده می‌تواند برای غلبه بر این مسائل و مشکلات و نیز پیشگیری از آن‌ها راه‌گشا باشد (وفادار، ۱۳۷۴).

در طول زندگی شرایط و موقعیت‌هایی برای خانواده‌ها به وجود می‌آید که برخورد متناسب با چنین موقعیت‌هایی مستلزم آشنایی و کسب اطلاعات جدید است. تشکیل کلاس‌های آموزش خانواده یکی از راه‌های مهم کسب صلاحیت به‌منظور ایفای نقش مؤثر خانواده است، زیرا که از طریق آموزش اولیا، خانواده‌ها نسبت به توانایی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه خویش آگاهی یافته و آمادگی لازم را برای مواجهه با شرایط و موقعیت‌های مختلف در تربیت فرزندان و ایجاد کانون گرم خانوادگی کسب می‌نمایند (انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۷).

از طرف دیگر با توجه به اینکه کودکان سرمایه‌های هر جامعه هستند روزی می‌شود که این کودکان اعضای اصلی هر جامعه‌ای خواهند بود توجه به تربیت آنان در بهبود روابط در آینده نیز تأثیرگذار خواهد بود. لذا مادران موظف هستند در مورد تعلیم و تربیت فرزندان خود آگاهی‌های لازم را فراگیرند؛ زیرا کودکان برای تربیت با مسائل مهم و حساسی روبه‌رو هستند که اگر مادران برای برخورد مناسب با آن‌ها آگاهی و مهارت لازم را نداشته باشند، این مسائل می‌تواند خطراتی را برای آن‌ها در پی داشته باشد. از این‌رو لازم است تا مادران در مسائل حساسی به فرزندان خود آگاهی‌های لازم را بدهند (جهانگردی، ۱۳۷۹).

نحوه ارتباط مادران با کودکان قوی‌ترین عامل مؤثر بر الگوهای تعاملی خانواده محسوب می‌شود، خصوصاً در دوره‌های از زندگی کودکان که تحولات اساسی رشد روانی طی می‌شود تحقیقات پیرامون آسیب‌های روانی کودکان نشان می‌دهد که بسیاری از خانواده‌ها از شیوه‌های تربیتی نامطلوب که منشاء ترس، عدم اعتماد، احساس نارضایتی، بدبینی و اضطراب در فرزندان آنها می‌شود استفاده می‌کنند (صدرالسادات، شمس اسفندآبادی و امامی پور، ۱۳۸۴). مادران می‌توانند در ارتباطات خود متزلزل، فاقد اطمینان خاطر و بی‌ثباتند، در نحوه تربیت فرزندان با یکدیگر قوافق ندارند، از الگوی فرزندپروری مبتنی بر طرد، حمایت افراطی با اغماض یا تسلط، انضباط دو گانه، سستی موازین اخلاقی-عاطفی استفاده می‌کنند، رفتارهای نورتیک را در کودکان تثبیت می‌کنند و سبب می‌شوند که کودکان از نظر هیجانی و عاطفی نیازمندتر شده و در چنین شرایطی از حس اعتماد و امنیت که اساس تحول هیجانی سالم محسوب می‌شود ناکام بمانند (به پیری چری^۱؛ ترجمه دهگانپور و خرازچی، ۱۳۷۷).

بیان مسئله

عوامل متعددی در عملکرد رفتاری و آموزشی شخص و اجتماعی افراد نقش دارند که نظریه‌ها و دیدگاه‌های مختلف تربیتی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بر آن‌ها تأکید کرده‌اند. ایواتا و همکاران^۲ (۲۰۰۰) در مروری جامع عوامل مؤثر در عملکرد رفتاری و آموزشی را به شش دسته عمده تقسیم می‌کنند که هر یک از آن‌ها نیز به عوامل جزئی‌تر تقسیم شده‌اند که عبارتند از: الف: محرومیت‌های جسمانی ناشی از نقص عضو، تغذیه نادرست و بد، محرومیت از خواب و خستگی روانی، فرایندهای عاطفی آسیب‌زا. ب: عوامل روانی-اجتماعی-محیطی: نظیر تغییرات سریع و مهم اجتماعی نظیر بیکاری، جنگ، بلایای طبیعی ... ج: عوامل تربیتی:

¹ Berichery

² Iwata

نظیر الگوهای نادرست خانوادگی، فقدان والد- کودک، طرد کردن فرزندان و حمایت افراطی. د: ساختار خانوادگی ناسازگار در خانواده‌های بی‌کفایت، از هم پاشیده، ضد اجتماعی و آسیب روانی اولیه و عدم ثبات عاطفی و روانی مادران. ه: فشارهای ناشی از زندگی جدید صنعتی مانند رقابت های ناسالم، تقاضای شغلی و تحصیلی و پیچیدگی های زندگی جدید. و: عوامل ژنتیکی و ارثی نظیر اختلالات جسمی، روانی و عاطفی که زمینه را برای رفتارهای بزهکارانه و ناسازگارانه اجتماعی فراهم می‌کند.

کانون خانواده اولین و بهترین مدرسه‌ای است که نسلهای جوامع بشری از آنجا رشد می‌یابند بنابراین اگر مادران یا مربیان خانواده افراد مدیر و با مسئولیتی باشند قطعاً کانون خانواده محیط سالمی برای تعالی رشد افراد آن خانواده خواهد بود و بالعکس اگر مربی خانواده (مادران) انسان غیر مسئول و بی‌قید و شرطی باشد قطعاً افرادی که از آن خانه وارد اجتماع می‌شوند انسانهایی مفیدی برای اجتماع نخواهند بود.

خانواده از نهادهای مهم و اساسی جامعه است. خانواده به عنوان یک نهاد اجتماعی مهم‌ترین و عمده‌ترین نقش را در تربیت کودکان ایفا می‌نماید خانواده دومین آموزشگاه است، آموزشگاهی که کودک در آن لبخند، قهر، دوستی، خوش خلقی، خودداری، تعامل و تکامل وظیفه‌شناسی و مسئولیت‌پذیری و اخلاق را می‌آموزد، خانواده نقش اصلی را در شخصیت‌سازی کودک بر عهده دارد و شخصیت هر فرد همان عادت‌ها و یادگیری‌های آن مجموعه‌ای است که با آن ارتباط دارد (حسنی، ۱۳۹۲).

مبدا تشکیل خانواده، به دوران قبل از تاریخ؛ یعنی اعصاری که نیاکان آدمسان ما اولین خانواده‌ها را تشکیل دادند، باز می‌گردد. گرچه خانواده در طول تاریخ رشد و تکامل یافته است اما بسیاری از وظایف و عملکردهای اولیه‌ی خود را همچنان حفظ کرده است. بدین ترتیب فرزندان در دامن خانواده بزرگ می‌شوند و باهم بودن را می‌آموزند (گلدنیک^۳، ۲۰۰۷). خانواده، علاوه بر تامین نیازهای حیاتی اعضای خود، به طرق مختلف بر آنها تاثیرگذار است. تحقیقات، نشان می‌دهد که یکی از اثرگذارترین فاکتورها بر رشد نوجوانان، شیوه‌های تربیتی والدین آنهاست (بلسکی و بارندز^۴، ۲۰۰۲؛ پریزیه و همکاران^۵، ۲۰۰۴).

مدل نظری عمومی که توسط بلسکی پیشنهاد شد به تبیین تعیین‌کننده‌های والدینی کردن می‌پردازد. بلسکی و بارندز^۳ (۲۰۰۲) عقیده دارد والدینی کردن از سه منبع کلی ویژگی‌های فردی فرزندان، منابع استرس بافتی، حمایت و شخصیت والدین نشأت می‌گیرد. از نظر او، سه منبع، بیشترین اثر را بر شخصیت دارد. اگرچه، طبق مطالعات مختلف فاکتورهایی مثل وضعیت شغلی و سلامت روان والدین نیز در وضعیت روانی فرزندان موثر است (فوکس، پلاتز و بنتلی^۶، ۱۹۹۵). اما می‌توان سبک‌های تربیتی را به عنوان یک ادعای کلی اثرگذار، بر عملکردهای خانوادگی در نظر گرفت (دارلینگ و استینبرگ^۷، ۱۹۹۳). سبک‌های تربیتی، الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می‌گیرد (دیسجاردینس^۸، ۲۰۰۹). بامریند^۹ (۱۹۸۹) دو بعد مستقل در تربیت، را که می‌تواند رفتار فرزندان را پیشگویی کند، تبیین کرد؛ بعد اول، پاسخ‌گر بودن که به میزان تغذیه‌کنندگی، گرمی و ابراز هیجانی و تقویت مثبت مرتبط با نظرات فرزندان گفته می‌شود؛ بعد دوم اطلاعات‌گری که به نحوه‌ی اعمال کنترل و سطح تقاضا و انتظارات گفته می‌شود. بر اساس این دو بعد چهار سبک تربیتی به وجود می‌آید:

³ Belsky&Barends

⁴ Pruinzie

⁵ Fox,Platz&Bentiy

⁶ Fox,Platz&Bently

⁷ Darling&steinberg

⁸ Desjardins

⁹ Baumrind

مقتدرانه (بالا در هر دو بعد)؛ مستبدانه (بالا در اطاعت گری و پایین در پاسخ گری)؛ پذیرا (پایین در اطاعت گری و بالا در پاسخ گری)؛ و سهل گیر (پایین در هر دو) هر یک از این سبک‌ها اثرات مختلفی بر فرزندان می‌گذارد، کودکان با سبک تربیتی مقتدرانه، رشد هیجان اجتماعی و عملکرد تحصیلی بهتر، سازماندهی و جهت گیری عقلانی بالاتری نشان می‌دهند (هیل^{۱۰}، ۱۹۹۵).

نقش مادران و مسئولیت آنان در پرورش جسمی و روانی فرزندان و انتخاب شیوهی تربیتی مطلوب آن چنان مهم است که تمام زندگی حال و آینده افراد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. کودک بدون مشکل وجود ندارد ولی مشکلات کودکان قابل درمان است. نکته مهم نحوه برقراری اصول تربیتی است. چنانچه اصول تربیت اشتباه باشد یا با خشونت و بی تفاوتی ارائه شود، کودک آن را نمی‌پذیرد. یک خانواده خوب باید بتواند تربیت و انضباط را به نحوه شایسته‌ای برقرار کند. مادران در تربیت فرزندان مانند هر کار دیگر با مشکلاتی روبه‌رو خواهند شد. اگر والدین از روش‌های صحیح تربیتی آگاه باشند، با تمرین و به مرور زمان تجربه و مهارت آنان افزایش خواهد یافت و در تربیت فرزندشان موفق‌تر خواهند بود (سعادت‌مند، ۱۳۸۰).

در خانواده‌ها والدین در موضعی هستند که می‌توانند به گونه‌ای رفتار کنند که نتیجه‌ی آن هدایت رفتار کودک باشد. بنابراین هنگامی که کودک رفتار نامطلوب در منزل نشان می‌دهد دلیل آن می‌تواند واکنش‌های نامناسب و ناهمسان والدین باشد. در واقع والدین ممکن است نادانسته رفتار نامناسب فرزند خود را تقویت کنند. از این رو اصلاح رفتاری والدین، پیش‌نیازی است بر اصلاح رفتار کودک. دلیل دیگر برای آموزش اولیاء به جای کار با کودک این است که والدین بیشترین وقت خود را با فرزند خود سپری می‌کنند. از این رو تأثیر والدین روی رفتار کودک به مراتب بیشتر از تأثیر روابط درمانگر بر کودک است. که البته این امر درباره‌ی مربیان و معلمان مدارس نیز صدق می‌کند. یکی از هدف‌های مهم آموزش اولیاء ایجاد تغییرات مناسب در رفتار آن‌ها در زمینه‌ی ارتباط اولیاء با فرزندانشان می‌باشد. اکثر تظاهرات عاطفی را فرزند از والدین فرا می‌گیرد. خانه و مدرسه زمانی می‌توانند رسالت آموزشی و تربیتی خاص خود را به نحو مطلوب انجام دهند که هر یک شناخت تربیتی کافی داشته باشند و نقش‌های تربیتی خاص خود را با بصیرت ایفا کنند (سمیعی رومدشتی، ۱۳۸۶).

با توجه به آنچه که در بالا گفته شد هدف این پژوهش به دنبال این سؤال می‌باشد که آیا بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش‌آموزان مقطع ابتدایی، رابطه‌ای وجود دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

مروری بر ادبیات موجود در زمینه اشتغال مادران بیان‌کننده آن است که پژوهشگران علاقمند به پژوهش در این حیطه از روان‌شناسی مثبت تا کنون رابطه این سازه را با متغیرهایی همچون ویژگی‌های فردی افراد مانند سن، وضعیت تاهل، میزان تحصیلات، درآمد، وضعیت شغلی، شرایط زندگی در نواحی مختلف از لحاظ سطح امنیت اجتماعی، نحوه عملکرد اقتصادی و فرهنگی کشورها، سطح رفاه ملی، هوش هیجانی، خودکارآمدی، رفتار بزه کارانه، بهداشت روانی و تندرستی روان شناختی بررسی کرده‌اند و به طور کلی به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل مذکور تأثیر معنادار و جالب توجهی بر عملکرد فرزندان دارد.

از طرف دیگر انسان چون موجودی اجتماعی است و در ارتباط با محیط‌های اجتماعی مختلف می‌باشد، از هر محیطی چیزی می‌آموزد تا در مجموع از فرد بدون هویت، تبدیل به شخص اجتماعی دارای هویت اجتماعی گردد. طبیعی است که این فرد شهروندی متمرثر برای جامعه خویش می‌شود. درگذر از شخص فردی بدون هویت به شخص اجتماعی، فعالیت جامعه‌پذیری نسبت به وی اعمال می‌شود. امر جامعه‌پذیری توسط منابع مختلف بر روی انسان عملی شده و هر یک بخشی از شخصیت فرهنگی و اجتماعی شخص اجتماعی شده را می‌سازند. در این بین، خانواده در اکثر جوامع از جمله ایران بیشترین نقش را ایفا کرده که این نقش در رفتارها و نوع تربیت آن‌ها متبلور می‌شود. رابطه مادران با فرزندان یا سبک‌های تربیتی، درگذر از اعمالی است که

¹⁰ Hill

اهداف گوناگونی را در بردارد. تربیت اخلاقی و روانی، شناسایی، رشد و پیشرفت استعدادهای فرزندان، آموزش مهارت‌ها، آشنا کردن با قوانین و هنجارهای جامعه از دید مادران، از جمله این اهداف می‌باشند.

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش

رابطه بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی.

اهداف جزئی

۱- بررسی رابطه بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی.

۲- بررسی رابطه بین نقش تعدیل‌گری سبک‌های تربیتی مادران شاغل با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی.

فرضیه‌های تحقیق

۱- بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین سبک‌های تربیتی مادران شاغل با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

البرزی و البرزی (۱۳۸۵) در پژوهشی که انجام دادند. بررسی رابطه خود مختاری و اشتغال مادران در دانشجویان استعدادهای درخشان دانشگاه‌های به این نتیجه دست یافتند که بین ابعاد مختلف اشتغال مادران با ابعاد مختلف مقیاس خودمختاری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین در بین ابعاد مختلف اشتغال مادران بالاترین رتبه به یادگیری و کمترین رتبه به رضایت از تحصیل تعلق دارد.

بهمنی و تمدنی و عسگری (۱۳۸۳) در پژوهشی که به بررسی اشتغال مادران و رابطه آن با نگرش دینی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی انجام دادند نتایج آن نشان داد که اشتغال مادران حدود نیمی از دانشجویان در حد متوسط است و عوامل جنس، نوع مذهب در اشتغال مادران در گروه نمونه بی تاثیر و عوامل تاهل، اشتغال برخی از سطوح تحصیلی و شغلی مادران بر اشتغال مادران دانشجویان مورد نظر تاثیر داشته است.

افتخار و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی که بر روی اشتغال مادران دانش آموزان نابینا و همتایان آنها انجام دادند. نتایج نشان داد که بین اشتغال مادران دو گروه مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی تنها در حوزه تحرک اشتغال مادران تفاوت معنادار دیده شده است بین اشتغال مادران و حد بینایی در دانش آموزان نابینا ارتباط معنادار به دست آمد. همچنین سواد پدر و مادر در گروه دانش آموزان نابینا به شکل معنادار بالاتر از دانش آموزان نابینا بود.

یافته‌های پژوهش عبد امامی (۱۳۷۷) حاکی از آن است که بین سازگاری و متغیرهای حجم خانوار، شغل مادر، تحصیلات او، سن نوجوان به هنگام ازدواج مجدد مادر، سن نوجوان به هنگام شهادت پدر، نوع مالکیت محل سکونت، میزان درآمد خانوار، میزان شرکت افراد در اجتماعات و میهمانی‌های خانوادگی، تعداد دوستان، تعداد فعالیت‌های گروهی و موفقیت تحصیلی، رابطه وجود دارد.

اصفهانی اصل (۱۳۸۱) سازگاری فردی و اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر و پسر شاهد و غیر شاهد مشغول به تحصیل در سال سوم متوسطه شهر اهواز را مقایسه کرد. او دریافت که دانش‌آموزان شاهد سازگاری فردی، اجتماعی و عملکرد تحصیلی پایین‌تری را نسبت به دانش‌آموزان غیر شاهد داشتند.

مسعود زاده و همکاران (۱۳۸۱) نیز در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که بین سن و سلامت روان رابطه معنی‌دار وجود دارد.

رحیمی (۱۳۸۱) دریافت که بین میزان ناسازگاری دختران و پسران شاهد دبیرستانی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد؛ بین تعداد فرزندان شاهد در خانواده و میزان ناسازگاری آن‌ها رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ بین وجود ناپدری و ناسازگاری رابطه معنی‌داری وجود دارد؛ و بالاخره بین سطح سواد مادر و میزان ناسازگاری فرزندان شاهد رابطه‌ای وجود ندارد.

در تحقیق شریفی (۱۳۷۶) در زمینه رابطه سازگاری فردی و اجتماعی و عملکرد تحصیلی معلوم شد که رابطه مثبتی در این زمینه وجود دارد یعنی هر چه دانش آموز از نظر فردی و اجتماعی سازگارتر باشد عملکرد تحصیلی وی بالاتر است.

آذین و موسوی (۱۳۸۹) در پژوهش بررسی نقش عوامل آموزشی بر عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدون شهر به این نتیجه رسیدند که بین عملکرد دبیران، امکانات آموزشگاه و سبک مدیریت با عملکرد رفتاری و آموزشی رابطه مثبت معناداری وجود دارد ولی بین وضعیت فیزیکی آموزشگاه و عملکرد رفتاری و آموزشی رابطه معناداری وجود ندارد. یعنی وضعیت فیزیکی آموزشگاه خوب یا بد باشد تأثیری بر عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان ندارد.

خدایاری فرد، رحیمی نژاد و عابدی (۱۳۸۶) در پژوهش خود بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد رفتاری و آموزشی دانشجویان شاهد و غیر شاهد نشان داد که باورهای دینی و نگرش سیاسی - اجتماعی با عملکرد رفتاری و آموزشی دانشجویان شاهد و غیر شاهد همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین رابطه بین دینداری و نگرش سیاسی - اجتماعی با عملکرد رفتاری و آموزشی در دانشجویان دختر قدرتمندتر از دانشجویان پسر است.

احدی و همکاران (۱۳۸۸) تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر عملکرد رفتاری و آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو نشان داد که آموزش حل مسئله اجتماعی می‌تواند عملکرد رفتاری و آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو را بهبود بخشد.

اسچالوک ۱ و همکاران (۲۰۰۲) در یک پژوهشی با بررسی اشتغال مادران در بیش از ۲۰ کشور ۸ عامل را برای اندازه‌گیری اشتغال مادران ذکر کردند که عبارتند از: سلامت عاطفی، روابط بین فردی، بهداشت، روابط زناشویی، رشد فردی، سلامت جسمانی و توانایی تصمیم‌گیری برای خود و دیگران (به نقل از انگلر و هافمن، ۲۰۰۲).

پیرلز (۲۰۰۵) در بررسی‌هایی که در ۳۵ کشور انجام داد، دریافت که موفقیت دانش آموزان در مدرسه با شرایط زندگی مادران مانند درآمد و سطح تحصیلات رابطه بالایی دارد (به نقل از هاهر و همکاران، ۲۰۰۵).

کارول و فاولر (۲۰۰۷) مهارت‌های فرزندپروری و برنامه‌های حمایت از خانواده برای مادران سوء استفاده از مواد مخدر را بررسی نمودند.

دولان و اسمیت^۲ (۲۰۰۹) نیز ارتباط مادران و محیط خانه را بر شادکامی فرزندان بررسی و نتایجی را به دست آوردند. مطالعه‌ای که توسط مالسکی و الیوت^{۱۱} (۲۰۰۲) صورت گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که جنبه‌های آموزش مادران مهم هستند و در زمینه ترس و اضطراب بچه‌ها، آموزش مادران به کاستن از آن و پیشرفت تحصیلی آن‌ها کمک خواهد کرد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که تشویق فرزندان به یادگیری در خانه، تأثیر به‌سزایی در موفقیت تحصیلی فرزندان داشته است و انتظارات واقع بینانه مادران از عملکرد مدرسه‌ای کودکان با عملکرد مثبت تحصیلی رابطه داشت.

پژوهشی که توسط ساندراکریستن سونو^{۱۲} همکاران (۲۰۰۳) در خصوص آموزش مادران انجام گرفت است، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که انتظارات بالای پدر و مادر از عملکرد بچه‌هایشان در مدرسه، همسو با عملکرد مثبت آموزشی آن‌ها در مدرسه است و این موضوع به ادراک بچه‌ها از انتظارات مادران برمی‌گردد. مادران ی که از بچه‌ها انتظار دارند و آن‌ها را از لحاظ فکری

¹¹ Malecki & Elliott

¹² Sandra-Christenson

پرورش می‌دهند پاسخ گوی احساسات آن‌ها هستند و از پیشرفت آن‌ها حمایت می‌کنند نقش موثری در عملکرد تحصیلی فرزندان‌شان دارند.

ایواتا و همکاران^{۱۳} (۲۰۰۰) در تحقیق خود نشان دادند که بین سطح سواد مادران با نگرش و رفتار آنان نسبت به نوجوانان رابطه معناداری وجود دارد؛ به طوری که مادران با سطح سواد بالاتر ارتباط نزدیک‌تری با فرزندان داشته و نوجوانان آنان نیز سازگاری و تعامل بیشتری با دیگران بروز می‌داند.

هاهر و همکاران^{۱۴} (۲۰۰۵) در بررسی‌هایی که در ۳۵ کشور انجام دادند دریافتند که موفقیت دانش آموزان در مدرسه با شرایط زندگی مادران مانند درآمد و سطح تحصیلات رابطه بالایی دارد.

کایوتن^{۱۵} (۲۰۰۵) در بررسی خود دریافت که درآمد پایین خانواده زمینه ساز آسیب‌های مختلف برای کودکان است. در بسیاری از پژوهش‌ها رابطه درآمد پایین خانواده با نتایج منفی آن برای کودکان مورد تایید قرار گرفته است. درآمد پایین خانواده بر رشد شناختی کودکان تاثیر دارد و مشکلات رفتاری، اجتماعی، عاطفی و سلامتی را برای آنان ایجاد می‌کند. مزولیس^{۱۶} (۲۰۰۵) گزارش می‌کند که خلق، شیوه فرزندپروری و وقایع نامطلوب زندگی مادران روی رشد شناختی و نحوه تفکر کودکان اثر دارد.

فیور، ایپی و لونیگان^{۱۷} (۲۰۰۶) با بررسی رابطه ویژگی‌های محیط خانواده‌ها با دو مهارت زبان شفاهی و عملکرد اجتماعی دریافتند که ویژگی‌های خانواده روی زبان شفاهی و عملکرد اجتماعی کودکان تاثیر دارد.

روش تحقیق

باتوجه به ماهیت این پژوهش که به دنبال بررسی ارتباط اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی می‌باشد، روش آن توصیفی از نوع همبستگی و به شکل میدانی، به وسیله پرسشنامه اشتغال مادران ، عملکرد رفتاری و آموزشی انجام می‌شود. در پژوهش حاضر جامعه مورد بررسی عبارت است از کلیه مادران و دانش آموزان مقطع ابتدایی که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۳۹۹ در شهرستان خواف مشغول به خدمت می‌باشند. که شامل ۶۰۰ نفر می‌باشد. برای برآورد حجم نمونه از فرمول کرجسی و مورگان استفاده شد به این ترتیب حجم نمونه مورد نظر تعداد ۲۳۵ مادران به همراه دانش آموزان مقطع ابتدایی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌ها:

توصیف داده‌های جمعیت‌شناختی

در پژوهش حاضر ۲۳۵ نفر از مادران به همراه دانش آموزان مدارس ابتدایی شهرستان خواف شرکت داشته‌اند. فراوانی آن‌ها بر حسب جنسیت بررسی شد. نتایج آن در جدول ۴-۱ ارائه شده است.

¹³ Iwata

¹⁴ Haaher

¹⁵ Qauthen

¹⁶ Mezulis

¹⁷ Faver, Eppe& Lonigan

جدول ۱ فروانی مادران (مادران) و دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش

متغیر	شاخص‌های آماری	تعداد	درصد
افراد	مادران	۲۳۵	۱۰۰
	دانش آموز	۲۳۵	۱۰۰

با توجه به جدول ۱ مشاهده می‌شود ۲۳۵ مادر و دانش آموزان که در این پژوهش شرکت داشته‌اند.

بررسی فرضیات پژوهش

۱- بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد.

جدول ۲- همبستگی اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان

مولفه‌ها	توانایی زبانی	سلامت جسمی	سلامت روان شناختی	روابط اجتماعی	محیط زندگی
	همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی	همبستگی
عملکرد رفتاری و آموزشی	**/۴۵۲	**/۳۶۸	**/۲۵۸	**/۳۵۷	**/۵۴۲
قالب‌های اجتماعی	**/۳۲۵	**/۳۵۶	**/۲۱۳	*/۱۳۵	**/۳۱۲
مهارت‌های اجتماعی	**/۳۵۴	**/۳۲۵	**/۳۴۸	**/۲۶۴	**/۳۲۸
علائق ضد اجتماعی	/۰۲۵	/۰۷۸	/۰۸۴	/۰۸۵	/۰۳۸
روابط خانوادگی	**/۱۷۸	**/۱۷۸	*/۱۴۷	**/۱۷۵	/۲۱۶
روابط مدرسه ای	**/۳۵۴	**/۳۵۶	**/۲۵۴	**/۳۱۵	**/۳۴۵
روابط اجتماعی	**/۲۴۲	**/۱۷۸	/۲۵۶	*/۱۵۱	**/۳۱۲

** $p < / . 0 1$

** $p < / . 0 5$

باتوجه به جدول ۲، مشاهده می‌شود که بین عملکرد رفتاری و آموزشی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p < / . 0 5$) معنادار می‌باشد.

بین قالب‌های اجتماعی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p < / . 0 5$) معنادار می‌باشد.

بین مهارت‌های اجتماعی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p < / . 0 5$) معنادار می‌باشد.

بین علائق ضد اجتماعی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p > / . 0 5$) معنادار نمی‌باشد.

بین روابط خانوادگی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p < / . 0 5$) معنادار می‌باشد. اما با و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی‌ها از نظر آماری در سطح ($p > / . 0 5$) معنادار نمی‌باشد.

بین روابط مدرسه ای با اشتغال مادران، سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی ها از نظر آماری در سطح ($p < 0.05$) معنادار می باشد.

بین روابط اجتماعی با اشتغال مادران، سلامت جسمی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی ها از نظر آماری در سطح ($p < 0.05$) معنادار می باشد. اما با سلامت روان شناختی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی ها از نظر آماری در سطح ($p > 0.05$) معنادار نمی باشد.

هم چنین برای آزمون فرضیه فوق از رگرسیون خطی ساده مدل همزمان استفاده شده است که در جداول زیر ارائه شده است.

جدول ۳- همبستگی چند گانه اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان

ضریب همبستگی	مجذورات همبستگی	مجذورات تعدیل شده	خطای معیار تخمین
۱/۴۶۷	۲۳۴	۱/۲۴۵	۱۴/۴۲۵

جدول ۴- بررسی معناداری مدل رگرسیون برای پیش بینی عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان با اشتغال مادران

مدل	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	آماره F	مقدار احتمال
رگرسیون	۱۷۱۶۷/۴۳۷	۱	۱۷۱۶۷/۴۳۷	۴۸/۰۲۵	/۰۰۱
باقی مانده	۶۱۴۳۸/۴۱۳	۲۵۸	۲۳۸/۱۳۳		
کل	۷۸۶۰۵/۸۵۰	۲۵۹			

با توجه به جدول ۳- در کل مشارکت کنندگان، ضریب همبستگی بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان برابر با ۰/۴۶۷ است. به عبارتی، با توجه به مجذور R تعدیل شده، ۲۱۵ درصد از واریانس عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان توسط اشتغال مادران در کل گروه مورد پژوهش تبیین می شود. با توجه به جدول ۴، چون مقدار احتمال یا سطح معنی داری به دست آمده ۰/۰۰۱ کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه خلاف تایید می شود.

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه فرضیه اصلی پژوهش این بود که بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان مقطع ابتدایی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج ضریب همبستگی نشان می دهد که بین:

بین اشتغال مادران با عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان و سلامت جسمی، سلامت روان شناختی، روابط اجتماعی و محیط زندگی همبستگی مثبت وجود دارد که این همبستگی معنادار می باشد.

نتایج این پژوهش ها با پژوهش های البرزی و البرزی (۱۳۸۵) در پژوهشی که انجام دادند. بررسی رابطه خود مختاری و اشتغال مادران در دانشجویان استعداد های درخشان دانشگاه های به این نتیجه دست یافتند که بین ابعاد مختلف اشتغال مادران با ابعاد مختلف مقیاس خود مختاری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین در بین ابعاد مختلف عملکرد رفتاری و آموزشی دانش آموزان بالاترین رتبه به یادگیری و کمترین رتبه به رضایت از تحصیل تعلق دارد.

افتخاری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی که بر روی اشتغال مادران دانش آموزان نابینا و همتایان آنها انجام دادند. نتایج نشان داد که بین اشتغال مادران دو گروه مورد بررسی تفاوت معناداری وجود ندارد. ولی تنها در حوزه تحرک اشتغال مادران تفاوت معنادار دیده شده است بین اشتغال مادران و حد بینایی در دانش آموزان نابینا ارتباط معنادار به دست آمد. همچنین سواد پدر و مادر در گروه دانش آموزان نابینا به شکل معنادار بالاتر از دانش آموزان نابینا بود.

در تحقیق شریفی (۱۳۷۶) در زمینه رابطه سازگاری فردی و اجتماعی و عملکرد تحصیلی معلوم شد که رابطه مثبتی در این زمینه وجود دارد یعنی هر چه دانش آموز از نظر فردی و اجتماعی سازگارتر باشد عملکرد تحصیلی وی بالاتر است.

احدی و همکاران (۱۳۸۸) تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر عملکرد رفتاری و آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو نشان داد که آموزش حل مسئله اجتماعی می تواند عملکرد رفتاری و آموزشی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو را بهبود بخشد.

کارول و فاولر (۲۰۰۷) مهارت های فرزندپروری و برنامه های حمایت از خانواده برای مادران سوء استفاده از مواد مخدر را بررسی نمودند.

مطالعه ای که توسط مالمسکی و الیوت (۲۰۰۲) صورت گرفته است. نتایج این مطالعه نشان می دهد که جنبه های آموزش مادران مهم هستند و در زمینه ترس و اضطراب بچه ها، آموزش مادران به کاستن از آن و پیشرفت تحصیلی آن ها کمک خواهد کرد. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که تشویق فرزندان به یادگیری در خانه، تأثیر به سزایی در موفقیت تحصیلی فرزندان داشته است و انتظارات واقع بینانه مادران از عملکرد مدرسه ای کودکان با عملکرد مثبت تحصیلی رابطه داشت.

کایوتن (۲۰۰۵) در بررسی خود دریافت که درآمد پایین خانواده زمینه ساز آسیب های مختلف برای کودکان است. در بسیاری از پژوهشها رابطه درآمد پایین خانواده با نتایج منفی آن برای کودکان مورد تایید قرار گرفته است. درآمد پایین خانواده بر رشد شناختی کودکان تاثیر دارد و مشکلات رفتاری، اجتماعی، عاطفی و سلامتی را برای آنان ایجاد می کند.

فیور، ایپی و لونینگان (۲۰۰۶) با بررسی رابطه ویژگیهای محیط خانواده ها با دو مهارت زبان شفاهی و عملکرد اجتماعی دریافتند که ویژگیهای خانواده روی زبان شفاهی و عملکرد اجتماعی کودکان تاثیر دارد همخوانی دارد.

منابع و ماخذ

۱. آقاییوسفی، علیرضا؛ شقاقی، فرهاد؛ دهستانی، مهدی؛ برقی ایرانی، زیبا (۱۳۹۱). ارتباط اشتغال مادران و سرمایه روانشناختی با ادراک بیماری در میان مبتلایان به بیماری ام-اس. مجله روانشناسی سلامت، ۳(۳) ۳۴
۲. احمدی، صادق (۱۳۸۳). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده و بحران هویت در نوجوانان کانون اصلاح و تربیت شهر تهران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت معلم.
۳. آذین، احمد و موسوی، سید محمود (۱۳۹۰). بررسی نقش عوامل آموزشی بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان فریدونشهر. فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، ۴۱، ۱۳۸-۲۰۰.
۴. اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). جامعه شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۵. افروز، غلامعلی (۱۳۷۱). روان شناسی و تربیت کودک و نوجوان. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.
۶. افتخاری، حسین؛ نجومی، محمد؛ کوهپایه زاده، جعفر (۱۳۸۹). بررسی اشتغال مادران دانش آموزان نابینا و همتایان بینای آنها. دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۳، ۳۱-۱۴.
۷. اونقی، ناز محمد (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و اشتغال مادران، رساله کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی تهران.
۸. بحرینی، سید حسین (۱۳۷۸). تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. بهمنی، بهمن (۱۳۸۹). بررسی اشتغال مادران دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی و رابطه آن با متغیر های نگرش دینی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.
۱۰. بهیری چری، ا. (۱۳۷۷). تعامل مادران و کودکان، ترجمه محمد دهگانپور و مهرداد خرازی. تهران: انتشارات رشد.
۱۱. بوند، جان، کورنر، لین (۱۳۸۹). اشتغال مادران و سالمندان، ترجمه حسین محقق، تهران: نشر دانژه.
۱۲. پروین، لارنس. ای (۱۳۷۲). روان شناسی شخصیت. ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: رسا.

۱۳. پروین، لارنس (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق)، ترجمه محمدجعفر جوادی و پروین کدیور. تهران: نشر رسا.
۱۴. پیاز، ژان (۱۳۶۹). تربیت به کجا ره می سپارد. ترجمه منصور و دادستان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. ثنائی، باقر (۱۳۷۸). نقش «خانواده‌های اصلی» در ازدواج فرزندان. فصلنامه علمی-پژوهشی انجمن مشاوره ایران، بهار و تابستان ۱۳۷۸، ۲(۱) ۱۱۲-۱۳۰.
۱۶. حسینی غفاری، فاطمه و همکاران (۱۳۸۷). بررسی رابطه میان سبک‌های فرزند پروری و کمال‌گرایی مثبت و منفی در دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد. چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، ۱۲۹-۱۲۲.
۱۷. حقیقی، جمال؛ شکرشکن، حسین و موسوی شوشتری، محمد (۱۳۸۱). بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با سازگاری دانش‌آموزان دختر پایه سوم مدارس راهنمایی اهواز. مجله علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۱ و ۲، ۱۰۸-۷۹.
۱۸. خدایاری فرد، محمد؛ رحیمی نژاد، عباس و عابدی، یاسمین (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر بر عملکرد رفتاری و آموزشی دانشجویان شاهد و غیر شاهد. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ۳، ۲۵-۴۲.
۱۹. خوارزمی، شهیندخت (۱۳۸۳). «کیفیت زندگی و الزامات عصر دیجیتال در ایران». قابل دسترسی در www.iranwsis.ir.
۲۰. خوش کنش، ابولقاسم؛ اسدی، مسعود و کشاورز، حسین (۱۳۸۹). نقش نیازهای بنیادین و حمایت اجتماعی در عملکرد رفتاری و آموزشی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه روان‌شناسی کاربردی، ۱۳، ۸۲-۹۴.
۲۱. دادستان، پریخ (۱۳۸۱). روان‌شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی. تهران: انتشارات سمت.
۲۲. ربانی، علی و کیانپور، مسعود (۱۳۸۶). مدل پیشنهادی برای اشتغال مادران، مطالعه موردی اصفهان، مجله دانشکده انسانی، ۱۲، ۵۸-۵۹.
۲۳. ربانی خوراسگانی، علی؛ کیانپور، مسعود (۱۳۸۹). درآمدی بر رویکردهای نظری و تعاریف عملی مفهوم اشتغال مادران، مددکاری اجتماعی، ۵، ۵۶-۴۳.
۲۴. رجایی، غلامعلی (۱۳۸۷). رابطه سبک‌های فرزند پروری والدین و فرار نوجوانان از خانه. چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، ۱۷۵-۱۶۰.
۲۵. رحمانی، فاطمه (۱۳۸۷). ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان استقلال دانش‌آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز. چکیده مقالات سومین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، ۱۸۰-۱۷۷.
۲۶. رحیم نیا، محسن و رسولیان، مریم (۱۳۸۵). مقایسه مکانیسم‌های سازگاری نوجوانان، کانون اصلاح و تربیت و نوجوانان دبیرستانی. مجله روان‌پزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۲، ۲۹-۴۴.
۲۷. رضایی، و خداخواه، شهین (۱۳۸۸). رابطه‌ی بین سبک‌های فرزند پروری و باورهای معرفت‌شناختی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مقطع متوسطه. فصلنامه علوم تربیتی، ۲(۵)، ۱۱۷-۱۳۴.
۲۸. رضوانی، محمد رضا و منصوریان، حسین (۱۳۸۷). سنجش اشتغال مادران: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها و مدل‌ها و آرایه مدل پیشنهادی بسترهای روان‌شناختی، فصلنامه روان‌شناختی و توسعه، ۱۴، ۲۳-۴۱.
- ریترز، جورج (۱۳۷۴). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
۲۹. ریماز، شهناز؛ دستورپور، مریم؛ وصالی، سمیرا (۱۳۹۳). بررسی اشتغال مادران و عوامل مؤثر بر آن در زنان سرپرست خانوار تحت پوشش شهرداری منطقه ۹ شهر تهران. مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، ۲، ۴۸-۵۵.
۳۰. زارعی، اصغر (۱۳۸۹). بررسی رابطه‌ی بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با ارتکاب نوجوان به رفتارهای پرخطر بر اساس مقیاس کلونینگر. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد، ۱۱(۲) ۲۲۴-۲۲۰.
۳۱. ساراسون، ایرون جی و ساراسون، باربارا آر (۱۳۸۵). روان‌شناسی مرضی. ترجمه بهمن نجاریان و همکاران. تهران: انتشارات رشد.

۳۲. سپاه منصور، مزگان (۱۳۸۶). تأثیر آموزش مهارت های زندگی بر انگیزه ی پیشرفت، خود احترامی و سازگاری اجتماعی. اندیشه و رفتار، ۴، ۸۵-۹۳.
۳۳. سدن، جانت (۱۳۷۴). کاربرد مهارت های مشاوره در مددکاری اجتماعی. مترجم محمد رضا ایروانی و همکاران. تهران: انتشارات رشد.
۳۴. سلطانی، اصغر؛ اربابی سرجو، عزیزالله؛ دهقانی خوزانی، اعظم و رضایی، مریم (۱۳۹۰). نگرش دانش آموزان سوم راهنمایی شهر اصفهان نسبت به علم و فناوری، علوم مدرسه ای و محیط زیست. پژوهش در برنامه ریزی درسی، ۳۱، ۷۳-۸۳.
۳۵. سلطانی شال، ضا و کارشکی، حسین و آقامحمدیان شریاف، حمید رضا و عبد خدایی، محمد سعید و بافنده، حسین (۱۳۹۰). بررسی روایی و پایایی پرسشنامه اشتغال مادران در مدرسه مدارس شهر مشهد. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۱، ۷۹-۹۳.
۳۶. سلیمان زاده، عیسی (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین مهارت های اجتماعی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه شهرستان ملکان در سال تحصیلی ۸۷-۸۸. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی تبریز.
۳۷. سیف، علی اکبر (۱۳۸۰). روانشناسی پرورشی (روانشناسی یادگیری آموزشی). تهران: انتشارات آگاه.
۳۸. صدرالسادات، سیدجلال و شمس اسفندآبادی، حسن و امامی پور، سوزان (۱۳۸۴). مقایسه شیوه های فرزند پروری و کارکرد خانواده در خانواده های بدسرپرست، دارای اختلالات رفتاری و عادی. مجله دانشگاه علوم پزشکی شهر کرد، ۷(۲)، ۴۸-۴۳.
۳۹. عابدی، حمید (۱۳۹۲). رابطه نگرش نسبت به مدرسه و اشتغال مادران در مدرسه با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه ششم مدارس. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات.
۴۰. عنبری، موسی (۱۳۸۹). بررسی تحولات اشتغال مادران در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵) توسعه روستایی، ۱، ۴۵-۳۶.
۴۱. عسگر پور، حمید (۱۳۸۳). بررسی تاثیر برنامه خود مراقبتی بر اشتغال مادران نوجوانان مبتلا به هموفیلی مراجعه کننده به درمانگاه جامع هموفیلی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۴۲. غفاری، غلامرضا و امید، رضا (۱۳۸۸). اشتغال مادران، شاخص توسعه توسعه اجتماعی، تهران: نشر شیرازه.
۴۳. فرجی ملایی، امین (۱۳۸۹). تحلیل شاخص های اشتغال مادران شهری و برنامه ریزی برای بهبود آن، موردی شهر بابلسر. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تهران.
44. Alizadeh, H. & Andries, C. (2002). Interaction of parenting styles and attention deficit hyperactivity disorder in Iranian parents. *Child and Family Behavior Therapy*, 24, 37-52.
45. Anderson R., Manoogian S.T., Reznick J.S. (1976) The undermining and enhancing of intrinsic motivation in preschool children. *Journal of Personality and Social Psychology* 34(5): 915-22.
46. Ames, c. (1992). "Classroom: goal, structures and student motivation". *Journal of educational psychology*, 84, 261-271.
47. Arisoy, n. (2007). "examining 8th grade student's perception of learning environment of science classrooms in relation to motivational beliefs and attitudes". Unpublished masters thesis, department of elementary science and mathematics education